

مصاحبه با آقای دکتر مخدوم استاد و از بنیانگذاران دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران

این روزها تمام دستداران طبیعت ایران شاهد از بین رفتن دریاچه ارومیه هستند و تمام دست‌اندرکاران محیط‌زیست در تکاپو هستند به نوعی راهکارهایی از این حالت بدهند شاید، اثر افتد و دریاچه از خشک شدن رهایی پیدا کند بر آن شدم که با یکی از اساتید فن محیط‌زیست که سال‌ها نیز در این‌باره سمینارهایی نیز برگزار کرده بود مصاحبه‌ای داشته باشم.

استاد سلام، در حدود ۹ سال پیش سمیناری توسط دانشکده محیط‌زیست در مورد دریاچه ارومیه برگزار شد در چه موردی از دریاچه ارومیه بحث شد، آیا مسایل مورد بحث به خشکی الان دریاچه مربوط بود؟

دکتر مخدوم - با سلام به خوانندگان مجله. در سمیناری که در سال ۸۱-۸۰ در ارومیه تحت عنوان ارزیابی اثرات توسعه بر روی جاده میانگذر ارومیه انجام شد به مشکل اولیه برخوردیم و آن هم خاکریزی بود که در زمان جنگ در سال ۵۸ بر روی این دریاچه درست کرده بودند که آن زمان باید انجام می‌شد زیرا برای عبور و مرور تسلیحات نظامی نیاز بود که پل زده شود به هر حال آن زمان قویاً اشاره کردم که در زمان خاتمه جنگ باید خاکریز جمع شود اما دیدیم که کار عبثی شروع گردید خاکریز نه تنها جمع نشد بلکه خاکریزها را برای اینکه پایه‌ای برای میانگذر باشد در آن دریچه‌هایی گذاشتیم که عبور و مرور آب آسان‌تر شود در صورتی که همین کالورت‌ها باعث رسوب‌گذاری بیشتری در حول و حوش دریچه‌ها شد و هیچ مشکلی را نه تنها حل نکرد مشکل آفرین‌تر شد چون اگر این کالورت‌ها نبود رسوبات بعدی را نداشتیم لاقلاً اگر این کالورت‌ها نبود فقط راه دریاچه با آن خاکریزها بسته می‌شد دیگر رسوبات بعدی نداشتیم. بارها در ارزیابی اثرات توسعه که انجام دادیم اشاره کردیم این پل برای مشکلات متعدد محیط‌زیست که ایجاد کرده به طور کلی این طرح مردود است اما چون خاکریزمان زمان جنگ بود و طرح جدید ملی بود شرط گذاشتیم اگر پایه‌های پل معلق باشد قابل قبول است که متاسفانه پایه پل معلق نشد و چیزی شد که مشکلات را ایجاد کرده است.

- این طرح در زمان ریاست خانم دکتر ابتکار تصویب شد آیا ایشان در ایجاد این خاکریز نقشی داشتند؟

دکتر مخدوم - خانم دکتر ابتکار نقشی در ایجاد این خاکریز

نداشت. آن زمان به دفتر ارزیابی گزارش دادیم. معاون خانم دکتر آقای دکتر حجت بود و دفتر ارزیابی سازمان محیط‌زیست زیر نظر ایشان بود که طرح ما را نه رد و نه قبول کردند. به طور کلی در آن وضعیت شرایط خاصی بود که اجبار داشتند دو سر خاکریز بهم وصل شود و این را به هر طریق که می‌شد انجام دادند که الان می‌بینم مشکل آفرین شده است زیرا آن زمان عنوان کردیم که یک حرکت شمال به جنوب در آب‌های دریاچه وجود دارد که سطحی است و یک حرکت جنوب به شمال دارد که عمقی است درست نقل این می‌ماند که دو طرف دیوار را از دو طرف بکشیم، این دیوار می‌ریزد به خاطر جریانی که وجود دارد اگر این پل معلق نباشد دچار آسیب خواهد شد جریان را قطع می‌کند و الان می‌بینم در سال ۱۳۹۰ بعد از ۸ سال جریان شمال و جنوب قطع شده و همین باعث شده که شمال و جنوب پل دو وضعیت آبی داشته باشد البته مسئله سدها مسئله دیگری است.

در کار سدسازی در ایران یک حقایق محیط‌زیستی وجود دارد که سدساز باید حقایق را با روش‌های ایرانی محاسبه کند. اکنون یکی از دانشجویان ارشد من با کمک آقای دکتر صادقیان این حقایق را حساب کرده اگر این حقایق محیط‌زیستی را به دریاچه ارومیه بدهند دریاچه در عرض ۱۰-۵ سال احیا خواهد شد. و دولت اگر پول دارد باید کالورت‌ها را که رسوبگذاری می‌کنند در بیابورد چون در غیر این صورت کالورت‌ها مشکل دیگری ایجاد می‌کنند.

این که از حوزه ارس یا دریاچه خزر آب بیابوریم هم کار اشتباه غیرکارشناسی است باید یک بررسی دقیق انجام شود چون حوزه دریاچه ارس و نیز حوزه خزر را خشک می‌کنیم.

- آقای دکتر نماینده محترم اردبیل در مجلس شورای اسلامی نیز با انتقال آب از حوزه ارس به علت احتمال ایجاد خشکسالی در اردبیل مخالفت کرده است پس شما راه حل فوری برای دریاچه ارومیه باز کردن سدهای متعدد که بر روی رودهای منتهی به دریاچه زده‌اند نمی‌دانید؟ ۳ استانی که در اطراف دریاچه از این مسایل نصیب می‌برند کدام در اولویت است؟

دکتر مخدوم - ۳ استان نیست بلکه بخش شمال شرقی کردستان، استان آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل هم هست. جمعا منطقه ۲ هیدرولوژی ایران هستند. زیر حوزه ارس ۵ آبخیز دارند و زیرحوزه ارومیه ۸ آبخیز دارد، به نظر من هر ۴ استان ضرر خواهد کرد و این ضرر فقط به ارومیه ختم نمی‌شود چون اینها تحت آبخیز بزرگ منطقه ۲ هیدرولوژی ایران هستند و هر

هر آبخیز هر چه آب دارد برای خودشان است و این آب از یک زیرحوزه به زیرحوزه دیگر بردن به ۴ استان آسیب می‌رساند.

– دکتر مخدوم بعضی سدها از ۳۵ سال پیش بود مثل سد مهاباد و زرینه‌رود اما سدهایی که در این سال‌ها زده شده مثل سد شهرچای با حجم ۲۰۰ میلیون مترمکعب و سد حسنلو با حجم ۹۶ میلیون مترمکعب که به این سدها اضافه شده آیا افزایش حجم سد مخزن افزایش پیدا کرده باعث خشکسالی کل منطقه است یا اینکه به مرور اتفاق افتاده؟ ضمناً مسئله خاک را هم اشاره بفرمایید.

دکتر مخدوم – این خشکسالی به مرور اتفاق افتاده، متأسفانه چیزی که اتفاق افتاده در کار سدسازی نادیده گرفته می‌شود این است که برنامه نگهداری سد در ایران نداریم. به قوت اشاره می‌کنم این عیب را از وزارت نیرو می‌گیرم که از مشاور، طرح سدسازی می‌گیرد اما برنامه نگهداری سد را از مشاور نمی‌گیرد. مشاور پایش نمی‌کند و پایش را نادیده می‌گیرد. کانال‌ها پر از رسوب است. این مشکل در مورد سد زرینه‌رود وجود داشته که در نهرها رسوب انباشته شده که تصویر آن را برای من فرستادند در زمان قدیم که من دانشجو بودم (۴۰ سال پیش) سد سپیدرود در دست تهیه بود استاد ما گفت این سد وبال گردن می‌شود به علت این که از کارهایی که باید در سدسازی انجام شود مکان‌یابی دامنه‌های آب است که باید با درختکاری و تراس‌بندی تثبیت شود که نشد وزارت نیرو کلی هزینه می‌کند تا رسوبات را از پشت سد خالی کند که آب به کشاورزان برسد و این اتفاق در سدهای جنوب ارومیه افتاده است در حالی که خاک تثبیت نشده به جای آب خاک را می‌آورد خاک‌های شسته شده که اصلاً به دررد نمی‌خورد. خاکشناسی منطقه هم توسط دکتر محمد جعفری که در منطقه روی خاک تحقیق کرده انجام شده و خاک بسیار حاصلخیزی دارد. به طور کلی با این کاری که در روی این منطقه انجام شده منطقه نه تنها از ادامه حیات افتاده بلکه طوفان‌شن تبدیل به طوفان نمک می‌شود و سلامتی روستا و شهرهای ما به خطر خواهد افتاد. درست همان بلا که سر مردم اطراف دریاچه اورال آمد سر مردم اطراف دریاچه ارومیه می‌افتد یعنی آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل عنقریب آسیب خواهند دید.

– آقای دکتر آب‌های زیرزمینی که ممکن است برای حوزه دریاچه ارومیه منبع تغذیه باشد آیا تالاب‌هایی که در کنار دریاچه است مؤثرند؟

دکتر مخدوم – به طور کلی این تالاب‌ها که در کنار دریاچه ارومیه هستند این تاثیر را می‌گذارند همان‌طور که در شرق دریای مازندران می‌بینیم که با این که آن تالاب‌ها شور هستند در بالا ننگه داشتن سطح سفره زیرزمینی تاثیر دارند متأسفانه با خشک شدن دریاچه ارومیه عنقریب این کاهش سطح آب سفره زیرزمینی را به خاطر از بین رفتن تالاب‌های اقماری خواهیم داشت.

این را اضافه کنم کشاورزی سنتی ما هم یکی از دلایل دیگر خشک شدن ارومیه است زیرا با روش معمول نشتی «غلام گردشی» در جایی که تبخیرش ۳-۱ متر در سال است واقعا حیف است که چنین آبی را از دست بدهد. اکنون روش نوین آبیاری وجود دارد. اما متأسفانه کشاورزان و دولت کمتر به این مسئله توجه می‌کنند در صورتی که به راحتی می‌توان راندمان آبی را بالا برد و از هدر دادن آب جلوگیری کرد. به طور میانگین ۷۰ درصد آب مصرفی را کشاورزی سنتی هدر می‌دهد که آن هم بخاطر روش‌های کهنه‌ای است که به کار می‌رود.

– در رابطه با فعالیت‌های آبخیزداری که برای نجات دریاچه ارومیه در نظر گرفتند شما چه نظری دارید؟

دکتر مخدوم – به طور کلی در جریان فعالیت‌های آبخیزداری زیاد نیستیم اما می‌دانم اگر کارهای آبخیزداری با ۳ اصل کلی انجام شده باشد برنامه موفق است ۱- راهکار داشته باشد ۲- برنامه نگهداری داشته باشد ۳- زمان‌بندی. بودجه داشته باشد. متأسفانه ما در خیلی جاها راهکار داریم اما زمان‌بندی و بودجه و نیز برنامه نگهداری را فراموش می‌کنیم یک چیزی می‌سازیم و می‌گذاریم و به خدا می‌سپاریم مثل درختکاری در هفته دوم اسفند که درخت می‌کاریم در حالی که این برنامه نگهداری، آبیاری، دفع علف هرز، کنترل بیماری می‌خواهد اما آن را به امان خدا رها می‌کنیم. با سپاس از شما استاد گرامی که وقت مصاحبه به ما دادید.

نرگس روحانی

شهریور ۱۳۹۰